

گزارش

موفقیت نسبی صدر اعظم آلمان در نشست سران اروپا

تلاش‌های مرکل برای ایجاد مکانیسم‌های مقابله با بحران‌های مالی سرانجام به نتیجه رسید. گرچه صدراعظم آلمان نتوانست مجازات شدید علیه کشورهای بدهکار را به تصویب برساند، اما ضرورت همه‌پرسی برای تغییر قراردادها نیز منتفی شد. آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان موفق به پیروزی نسبی در پیشبرد برنامه‌های خود در اتحادیه اروپا شد. جدال رهبران اروپایی برای یافتن راه‌حلی به منظور تثبیت ارزش یورو، سرانجام با سازش میان نظرات مخالف به پایان رسید. به گزارش دویچه‌وله، صدراعظم آلمان برای تثبیت یورو از آغاز خواهان تغییراتی در پیمان‌های اروپایی بود تا در زمان‌های بحرانی بتوان به مدیریتی کارآمد متکی بود. آلمان با گنجاندن این تغییرات در قراردادهای اروپایی به طور مشخص خواهان آن است که تدابیر کمکی برای کشورهای بحرانی در منطقه یورو، بر پایه حقوقی روشنی قرار گیرند. این به این معناست که از این پس مکانیسم‌های مقابله با بحران از سال ۲۰۱۳ در پیمان‌های پایهای اروپا از جمله قرارداد لیسبون وارد خواهد شد. تاریخ این تغییرات آگاهانه، پس از پایان کمک‌های مالی و اعتباری به یونان در نظر گرفته شده است.

«هرمان فان رومپوی» رئیس شورای اتحادیه اروپا وظیفه دارد در نشست آتی سران کشورهای اروپایی در نوامبر امسال راهکارهای لازم برای مدیریت بحران را به بحث گذارد. دولت آلمان همواره از تعیین مکانیسم‌های دائمی برای مقابله با بحران پشتیبانی کرده است. به نظر دولت آلمان بانک‌ها و موسسات مالی خصوصی باید در صورت وقوع مشکلات مالی برای کشورهای عضو وارد عمل شوند. تصمیم نهایی در این باره در نشست آتی اتحادیه اروپا اتخاذ خواهد شد. تغییر پیمان‌ها و قراردادهای اروپایی کاری بسیار دشوار است، زیرا پیش‌شرط آن توافق تمامی اعضا است. فان رومپوی در همین زمینه اظهار داشت «تغییرات محدود و جزئی» برای گنجاندن در قراردادهای اروپا پیشنهاد شده است. به گفته رومپوی برای گنجاندن



این تغییرات در پیمان‌های اصلی نیازی به همه‌پرسی در کشورهای اروپایی نخواهد بود.

حفاظت برای کل منطقه یورو

آنکلا مرکل «صدراعظم آلمان ضمن ابراز خشنودی از توافق به‌دست‌آمده گفت: «ما در مهم‌ترین نکات پیشرفت داشته‌ایم.» مرکل تصریح کرد «همه کشورهای عضو درباره ضرورت تغییرات محدود در قراردادها توافق دارند.» مرکل تأکید کرد مکانیسم‌های مقابله با بحران تنها زمانی به کار گرفته خواهند شد که منطقه یورو در کلیت خود به خطر افتاده باشد. ممنوعیت‌پذیرش بدهی‌ها از سوی کشورهای عضو که در قرارداد لیسبون مندرج است، به قوت خود باقی خواهد ماند. اما در صورتی که کل اتحاد ارزی به خطر افتد، کشورهای عضو مجازند، به یکدیگر یاری رسانند. کمک به کشورهای بسیار مقروض باید با شرایطی سخت‌گیرانه همراه باشد.

درس یونان به اتحادیه اروپا

در پی بدهی‌های کلان یونان و کسری چشمگیر بودجه در کشورهای اسپانیا، پرتغال و ایرلند در آغاز سال جاری میلادی وحدت ارزی در منطقه یورو به شدت تحت فشار بازارهای مالی قرار گرفت. تنها اعلام کمک‌های میلیاردی از سوی اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول یونان را از ورشکستی کامل نجات داد. آلمان و فرانسه با گنجاندن تغییرات، خواهان جلوگیری از تکرار چنین وضعیتی هستند.

مداربا با کشورهای بدهکار

مرکل به رغم پیشبرد مواضع خود، نتوانست در همه زمینه‌ها موفق شود. صدراعظم آلمان خواستار آن شده بود که حق رای از کشورهای بدهکار در آینده سلب شود. به رغم مواضع مشترک فرانسه و آلمان در این زمینه، توافقی همگانی به دست نیامد. گرچه در نشست سران اروپا گفته شد درباره پیشنهاد آلمان بحث و گفت‌وگو صورت خواهد گرفت، اما با بسیاری از کشورهای عضو و برخی اعضای ارشد کمیسیون اتحادیه اروپا شدیداً با آن مخالفت کردند. یکی از دستاوردهای نشست اخیر تشدید مجازات‌های مالی و برقراری تحریم‌ها علیه کشورهایی است که دچار بدهی‌های کلان می‌شوند. صدراعظم آلمان نخست خواهان تنبیه فوری کشورهای بدهکار بود، اما در پی مخالفت فرانسه با آن، این خواست خود دست کشید.

بحث‌های داغ در نشست سران اروپا

به گفته مرکل «بحث‌ها مبسوط و سخت» بوده‌اند. برخی دیپلمات‌های حاضر در نشست نیز تصریح کردند که جدال رهبران اروپا در برخی مواقع بسیار داغ و شدید بوده است. یکی از دیپلمات‌های اروپایی گفت: «در زمانی که درباره سلب حق رای گفت‌وگو می‌شد، احساسات بر خاتم مرکل نیز نسبتاً غلبه کرده بود.» یورگوس پایاندرو نخست‌وزیر یونان در پاسخ به مرکل گفته است او خواهان نگه داشتن حق رای خود است و نمی‌خواهد به شهروند درجه دو در اتحادیه اروپا بدل شود. ظاهراً ژوزه مانوئل باروسو رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا نیز در زمان بحث پیرامون سلب حق رای، بسیار عصبانی شده است.

جنگ قدرت در امارت اسلامی قفقاز

ترجمه: بهمن بهساز

انفجارهای انتحاری ماه گذشته در اوستیای شمالی که منجر به کشته‌شدن ۱۸ تن و زخمی شدن ۱۰۰ نفر شد، منطقه قفقاز شمالی و «امارت اسلامی قفقاز» را به صدر حوادث بازگرداند البته پس از آنکه فعالیت افراد مسلح چچن بعد از جنگ دهه ۹۰ به جمهوری‌های مجاور چچن منتقل شده بود. رهبر «امارت اسلامی قفقاز» دوکو عمروف قبل از انفجارها، استعفای خود را از رهبری «امارت» تقدیم کرده بود اما پس از چند روز آن را پس گرفت تا گروهی از فرماندهان میدانی که خواهان استعفای وی بودند به اطاعت او درآیند. این امر اشاره به اختلاف میان نیروهایی داشت که خواستار پیوند قفقاز شمالی با امارت قفقاز هستند و می‌خواهند از وجود و اعتبار عمروف جهت حمایت مالی و جذب نیرو استفاده کنند. طرف دیگر این اختلاف فرماندهان گروه‌های مسلح در جمهوری‌های قفقازی مجاور چچن هستند و درون جریانی قرار دارندکه می‌توان آن را «ملی» توصیف کرد و برای انحصار نزاع در چچن تلاش می‌کنند.

انفجارهای اوستیا و قبل از آن داغستان و اینگوشتیا، بر قدرت این جریان و توسعه عملیات آن دلالت می‌کند. بر اساس آمار مقامات روسی، حملات شمال قفقاز در سال ۲۰۰۹ به مقدار یک‌سوم نسبت به ۲۰۰۸ افزایش داشته است. گزارش‌ها حاکی از آن است که تعداد حملات بیشتری در سال‌های اخیر ثبت خواهد شد و بر اساس اظهارات روسی و همچنین بنابر رصد موسسه امریکایی جیس تاون در ماه‌های ژانویه و آگوست ۲۰۱۰ چهار حمله بیشتر از سال ۲۰۰۹ بوده است (۳۷ حمله). همچنین گزارش سالانه‌ای که «مرکز تحقیقات جهانی و استراتژیک»

داخل «امارت اسلامی قفقاز» با جنبش سلفی تهیه کرده بر افزایش حملات در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۲۰۰۸ تأکید دارد. همین گزارش در به‌روزرسانی خود در بهار سال جاری افزایش حملات را نشان می‌دهد. این گزارش به انتقال خشونت به جمهوری‌های مجاور چچن اشاره می‌کند و از لحاظ آماری جایگاه چچن از جهت عملیات خشونت‌آمیز دارای تغییر است، در حالی که داغستان و اینگوشتیا و با نسبتی کمتر منطقه قبردین- بلکار افزایش خشونت طی سال‌های اخیر را نشان می‌دهد. آنچه قابل توجه است اینکه ارتباطات این جریان با جنبش امارت قفقاز علنی شد و تمام مظاهر جاهلیت برچیده شد. برادران در قفقاز به دور او جمع و متحد شدند و جهاد مدت‌ها تحت فرماندهی او ادامه یافت. بنا به گزارش برادران مورد اطمینان و آگاه به احوال مجاهدان در قفقاز، از امیر ابی‌عثمان کار خلافی سر زنده که نزاع با او و برکناری‌اش را جایز کند. هر کس که به آبروی جهاد و مصلحت آن می‌اندیشد باید از او اطاعت کند و وی را در هماهنگی صوف و پیشبرد جهاد و عدم مخالفت با او یا مطالبه تغییر وی بدون توجیه شرعی از طرف مجلس شورا کمک کند، اما اینکه برخی از



تحت فرماندهی او ادامه یافت. بنا به گزارش برادران مورد اطمینان و آگاه به احوال مجاهدان در قفقاز، از امیر ابی‌عثمان کار خلافی سر زنده که نزاع با او و برکناری‌اش را جایز کند. هر کس که به آبروی جهاد و مصلحت آن می‌اندیشد باید از او اطاعت کند و وی را در هماهنگی صوف و پیشبرد جهاد و عدم مخالفت با او یا مطالبه تغییر وی بدون توجیه شرعی از طرف مجلس شورا کمک کند، اما اینکه برخی از



مجاهدان بدون توجیه شرعی معتبر خواهان تغییر وی هستند موجب سقوط هیبت امارت و جرات یافتن بر نزاع با امرا یکی پس از دیگری است و منجر به اختلاف صفوف این نیروها و ورود نزاع میان آنان و بروز سستی و شکست در صفوف آنان خواهد شد. ابوبصیر طرطوسی نظر خود را در مساله «عدم التزام به بیعت دوکو عمروف، والیان شرعی از جانب برخی فرماندهان میدانی» بیان کرده‌اند و ظاهراً پاسخی به تحولات و اختلافات درونی امارت است.

خلاصه سخن مقدسی چنین است: «آنچه ما از امیر ابی‌عثمان عمر دوکو می‌دانیم تماماً خوبی است و قضات شرعی در مورد او جمع و متحد شدند و جهاد مدت‌ها تحت فرماندهی او ادامه یافت. بنا به گزارش برادران مورد اطمینان و آگاه به احوال مجاهدان در قفقاز، از امیر ابی‌عثمان کار خلافی سر زنده که نزاع با او و برکناری‌اش را جایز کند. هر کس که به آبروی جهاد و مصلحت آن می‌اندیشد باید از او اطاعت کند و وی را در هماهنگی صوف و پیشبرد جهاد و عدم مخالفت با او یا مطالبه تغییر وی بدون توجیه شرعی از طرف مجلس شورا کمک کند، اما اینکه برخی از

ب وجود مناقشه بر سر تقسیم هاجهارم به نظر می‌رسد در خصوص چنین این تقسیم صادق باشد. در حالی که مبارزان عرب که جنبش سلفی جهادی را در جنگ اول و دوم طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ نمایندگی می‌کردند، از طریق نظریه‌پرداز خود ابومر سیف با شیوخ سلفی مانند صالح العثیمین و دیگران مرتبط بودند، ملاحظه می‌شود که در حال حاضر توجه ایدئولوژیک به شمال قفقاز که می‌توان آن را خط سلفی توصیف کرد.

منبع: **الحیات چاپ لندن**

یکشنبه ۹ آبان ۱۳۸۹

نگاه

آیا تمدن اروپایی به پایان عمر خود نزدیک می‌شود –بخش دوم

علیرضا منافزاده

بازگشت اروپا به یونانیت و مسیحیت، بدون دگرگونی ریشه‌های در شیوه زندگی و نگرش اروپاییان به جهان امکان‌پذیر نیست. با هیچ محاسبه عقلانی و با هیچ برنامه‌ریزی‌ای نمی‌توان ملت‌ها را از فروافتادن در سراسیمب انحطاط بازداشت. در مقاله پیش دیدیم امار و ارقام، آینده اروپا را هم از نظر اقتصادی و هم از نظر جمعیتی نگران‌کننده توصیف می‌کنند. بر پایه داده‌های آماری، اروپا اعتبار پیشین خود را در جهان روز به روز بیشتر از دست می‌دهد. قدرتهای اقتصادی تازه‌نفس چنان پیش می‌تازند که بیم آن می‌رود به زودی اهرم‌های اساسی اقتصاد جهان را در دست بگیرند و از این راه بر سرنوشت جهانیان حکمفرما شوند. نیروی اقتصادی ملت‌ها بازتاب توان جسمانی آنهاست. البته نیرو و کمیت دو مقوله جداگانه‌اند. تأکید بیش از اندازه بر ملاک‌های آماری مانند جمعیت، وسعت خاک، مواد اولیه و درآمد سالانه ممکن است ما را از توجه به این حقیقت بازدارد که شاهکارهای بزرگ تاریخی را تمدن‌هایی پدید آورده‌اند که بیش از هر چیز از زندگانی معنوی نیرومندی برخوردار بوده‌اند.

راز دستوردهای عظیم هنری در قدرت معنوی تمدن اروپایی نهادهای تمدن‌ها به اندازه بحران‌های معنوی خطرناک نیستند. بحران‌های اقتصادی، به طور کلی، عمر کوتاهی دارند و نشانه‌های خود را خیلی زود آشکار می‌کنند، اما بحران‌های معنوی ناپیدا و دیرپا هستند و بیشتر وقت‌ها به ناپودی تمدن‌ها می‌انجامند. نمودها و مراحل این بحران‌ها را به دشواری می‌توان معین و مشخص کرد. اندیشه‌گرانی که در گذشته از انحطاط تمدن اروپایی سخن گفته‌اند، بی‌شک نشانه‌هایی از بحران معنوی در آن دیده بودند.

به عقیده بدبینان اینکه امروز برای توضیح بیماری تمدن اروپایی به زان رانیضات یعنی با آمار و ارقام سخن می‌گویند، خود نشان می‌دهد هتجارها و ارزش‌های این تمدن تغییر کرده است. بعضی‌ها آغاز این تغییر را نیمه دوم قرن نوزدهم می‌دانند؛ دوره‌ای که این تمدن رفته‌رفته بنیادهای خود را بر علوم آرومونی با اثبات‌پذیر استوار می‌کند. عقلی که انسان اروپایی به نیروی آن توانسته بود علوم مدرن را بی‌ریزی کند و این همه شگفتی بیافریند، اکنون از سخن گفتن به زبان دیگری جز زبان ریاضیات بازمانده است. نگاه کلی‌نگر انسان مدرن که قرار



ب‌ود تمامیت پدیده‌های جهان را فرا گیرد توان راه یافتن به کنه پدیده‌ها را از دست داده است، به همین سبب از دیدن بحران فرهنگی نهفته در پس بحران اقتصادی کنونی درمانده است. اندیشه‌گران انگشت‌شمار می‌هم که بحران کنونی را پیش از هر چیز بحران فرهنگی می‌بینند، مسلم این است که نمی‌توانند چاره‌ای برای بیرون آمدن از آن بی‌یابندشند زیرا این بحران در درجه نخست بحرانی است که در رابطه آدمی با واقعیت پدید آمده است. می‌گویند اروپاییان و به طور کلی غربیان در قوه داوری و فهم جهان است که دچار بحران و درماندگی شده‌اند.

فرهنگ اروپایی که اکنون بسیاری از هنجارهایش را کم و بیش در همه فرهنگ‌های جهان جای‌گیر کرده، دیری است که در همه چیز از دیدگاه اقتصاد و سودمندی می‌نگرد. در هر گیاه و جانوری و حتی در هر انسانی، چه مرد و چه زن، نخست در بی سود می‌گردد، برخی از اندیشه‌گران، جهانگیر شدن این فرهنگ را نه گواهی بر عظمت و بی‌کرائگی آن، بلکه نشانه خردی و کرانمندی آن می‌دانند. معتقدند فرهنگی که در آن معرفت قدسی فاش نشده بود. «همچنین در بریتانیا به عنوان متحد اصلی امریکا در جنگ عراق «تیک کلگ» معاون نخست‌وزیر در دولت انتقالی که از منتقدان این‌سن جنگ بوده است، می‌گوید افشای فرهنگ بر پایه قدرت تکنیکی بی‌مهار و جدید نشان می‌دهد وقایع هولناکی در این جنگ اتفاق افتاده است و مسببان آن باید پاسخگوی اتهامات خود باشند، جولیان اسانج مدیر ویکی‌لیکس در مورد واکنش ضمنی مقامات امریکایی، عراقی و دیگران ضمن رد خطرناک‌امیز بودن این افشاسگری برای جان نظامیان و عراقی‌ها یک پاسخ آماده در آستین دارد و آن این است که «این اسناد نشان می‌دهند نیروهای خارجی و ماموران دولت عراق متربک جنایت جنگی شده‌اند». افشای

اسناد طبقه‌بندی‌شده جنگ عراق به افکار عمومی جهان نشان داد ذات جنگ‌ها با آنچه معمولاً در خبرهای روزانه از وقایع میدان جنگ یا ادعای طرفین منازعه مطرح می‌شود به کلی تفاوت دارد. از طرف دیگر جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری هم‌اکنون به استناد این اسناد می‌توانند پرونده‌های حقوقی در خصوص اعمال انجام‌گرفته در جنگ عراق را به جریان بیندازند و مقامات مسوول را حداقل در آینده بر صندلی اتهام بنشانند. اقدام ویکی‌لیکس بار دیگر این واقعیت نوین را آشکار کرد که فضای سایبری پنهانی باندی به وسعت همان «دهکده جهانی» دارد که در آینده نزدیک هیچ پنهان‌کاری و سانسوری را یارای مقابله با آن نخواهد بود. افشاسگری سایات ویکی‌لیکس شاید شروع جنگ سرد جدیدی باشد که این بار نه بین اردوگاه‌های رقیب که بیشتر در حريم منازعه بین «تهاد قدرت» و «قدرت رسانه» در حال وقوع است. با هجوم جنبش‌های مدنی و سیاسی به جهان اینترنت برای مبارزه با دیکتاتوری و سانسور و هم‌اکنون گستره فعالیت این پدیده جدید در بازگشایی هزار توری قدرت امنیتی- نظامی، به نظر می‌رسد که از این پس هیچ راز سه مه‌ری برای همیشه و چود نخواهد داشت.

در سال ۲۰۰۳ روشنفکرانی مانند آندره گلوکسمن و پائسکال پروکر به شعار «صدام باید به خواست خود یا به زور برود» به دفاع از حمله نظامی امریکا برخاستند و اکنون آشکارا می‌گویند اروپا باید تمامی ظرفیت‌های استراتژیکش را برای جبران نابسندگی‌های نظامی امریکاییان در جهان بسیج کند؛ اروپا باید دشمنان خود را درست نشانه‌گیری کند. منبع: RFI

جهان

جنگ سرد بین نهاد قدرت و رسانه



و سناتور «جان مک‌کین» با حمله شدید به این سایت و مغرض خواندن آن می‌گوید هدف ویکی‌لیکس از این افشاسگری ممانعت از پیروزی امریکا در جنگ است. آن زمان نیز «حامد کرزی» رئیس‌جمهوری افغانستان و هم‌اکنون نیز «نوری المالکی» نخست‌وزیر عراق تقریباً در یک موضع‌گیری مشابه، افشاسگری این سایت را به نیروهای مخالف خود نسبت داده و اظهار می‌داشتند این موضوع یک اقدام آگاهانه برای مخدوش کردن وجهه ملی آنان در کشورشان بوده است.

بعد از افشاسگری سایت ویکی‌لیکس در خصوص جنگ عراق، گروه‌ها و شخصیت‌هایی که همواره مخالفت خود را با این جنگ ابراز داشته‌اند با عکس‌العمل مثبت و هشدار در خصوص ماهیت این اسناد خواهان پاسخگویی به آن از سوی مقامات مسوول در این مورد شدند. شاید حقوقی‌ترین برخورد با افشاسگری سایت ویکی‌لیکس توسط «ناوی پیلای» بلندپایه‌ترین مقام سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر باشد که از مقامات امریکایی و عراقی خواسته است درباره بدرقارتی با زندانیان و غیرنظامیان عراقی که در این اسناد به آن اشاره شده، تحقیق کنند. کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

اطلاعات افشاشده و ماهیت این اسناد فاش‌شده، نشان می‌دهد اقدام ویکی‌لیکس را بیشتر باید در راستای قدرت سایبری و اینکه هیچ اطلاعاتی در جهان دیجیتال کنونی قابل پنهان نخواهد بود، ارزیابی کرد. بعد از افشای ۷۷ هزار سند در خصوص جنگ افغانستان «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا اظهار داشت هرچند دراز از یکجک جدیدی از نیروها بار دیگر اتفاق افتاده است، جبرن در مقابل، «جولیان اسانج» موسس ویکی‌لیکس در دفاع از اقدام خود می‌گوید: «یورشی که جنگ به واقعیات برده مدت‌ها پیش از آغاز جنگ بوده است و مدت‌ها بعد از پایان آن نیز ادامه خواهد داشت.» این چهره جنجالی این روزهای فضای سایبری می‌افزاید: «این اقدام تایلین نوری بر واقعیت بوده است و سایت ویکی‌لیکس امیدوار است برخی از ضرباتی را که به واقعیت‌ها زده شده است، جبران کند.» مخالفت با افشاسگری‌های سایت ویکی‌لیکس از چند زاویه متفاوت و گاه متضاد ابراز می‌شود. از یک جنبه این اقدام تهاجم به پایه فکری و عملی جنگ‌های افغانستان و عراق تلقی می‌شود و از جانب دیگر بسیاری این را یک خفره امنیتی و فضاسازی جهت آماده‌سازی افکار عمومی برای یک جنگ جدید تلقی کرده‌اند. اما گستردگی حجم